

تاریخ

شرارت‌های خصوصی

کتاب «زنان دیکتاتورها» روایتی از زندگی خصوصی بعضی دیکتاتورهای تاریخ است؛ البته از منظر ارتباطات آنان با زنان. چه زمانی در زندگی این دیکتاتورها موثر بوده‌اند؟ کدام یک مسیر زندگی شان را تغییر داده‌اند؟ این را با این جنایتکار تاریخ کجا جنایتی در حق زنان مرتکب شده‌اند؟ به چه روزگاری هایی تمایل داشته‌اند؟ و در نهایت جایگاه زنان در زندگی این گروه کجای بوده است؟ دیکتاتورهای نظیر هیتلر، استالین، مانوئلین، موسولینی، صدام و بن لادن، بعضی نکاتی که در این کتاب مطرح می‌شود، بسیار قابل تأمل و بدیع است؛ از جمله اینکه مثلاً بیشترین نامه‌های عاشقانه از آن به حال در سراسر جهان زنان برای آدولف هیتلر نوشته‌اند. البته هیتلر به روزگاری‌های این چنین اعتیاد داشت و چندان تمایلی هم به پاسخ نداشت، اما از آن سو زندگی صدام را می‌بینیم که پر است از نگاه تیره، چرک و خود محور نسبت به زنان. صدام در طول زندگی خود با دوزن ازدواج کرد؛ ساجده و سمیرا، اما هیچ می‌دانید دومین زن رسمی او نوعی تعدی به زندگی شخصی یکی از افسران ش بود؟ دایان داکرت در این کتاب با نوعی شیوه روایی داستانی تلاش می‌کند واقعیت‌های زندگی خصوصی این چهره‌ها را در دل جملات مخصوصاً موصاحیه‌های مختلف بیرون بکشد و فصل به فصل ارائه کند. مطالعه این کتاب شما را از خواندن گزارش‌های مختلف و متعدد درباره زندگی خصوصی دیکتاتورها و ارتباطات آنان با زنان بی‌نیازی کند چرا که تمام اطلاعات در فصل‌های مختلف جمع شده است. □

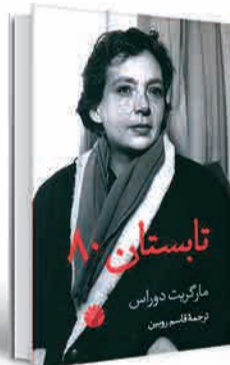


زنان دیکتاتورها
نویسنده: دایان داکرت
ترجمه: محمد علی عسگری
انتشارات: پیدایش
۵۹ صفحه
۹۴ هزار تومان

تأملات

تاریخ از بین رفتنی نیست

«فرزانه تونی» مارگریت دوراس یا همان مارگریت ژرمن ماری دونادیو که لقب بانوی داستان نویسی مدرن را به او داده‌اند، نام خانوادگی خود (دوراس) را بر اساس نام منطقه‌ای که پدرش در آنجا به خاک سپرده شد، انتخاب کرد. تابستان ۸۰، مجموعه مقالات روزنگاری شده است که در تابستان ۹۸ در روزنامه لیبراسیون و بعدها در قالب کتاب به چاپ رسید. تابستان ۸۰ مصادف شد با سال ۱۳۵۹ شمسی؛ سالی که انور سادات، محمدرضا شاه، شاه ایران را با همه تشریفات که می‌بایست، در قاهره به خاک سپرد. دوراس رویدادهای تابستان ۸۰ را، که هم‌زمان با برپایی بازی‌های المپیک در روسیه بود، یادآور تجمعات پیروان موسولینی و هواداران هیتلر در بازی‌های المپیک مونیخ سال ۳۶، جان سپردگان گولاگ، وقایع سپتامبر و مارس سال ۳۸ و مرگ شو شینگ می دانست. اما محور اصلی که مقالات بر پایه آن نوشته شده، موضوع «گدانسک» است. در چهاردهم اوت سال ۸۰، پس از نخستین اعتراضات و اعتصابات عمومی که به دلیل وخامت شرایط اقتصادی لهستان، در شهری به نام شوپتیک انجام شد و به مدت دو هفته به طول انجامید، کارگران اعتراض بعدی را در کارخانه کشتی‌سازی شهر گدانسک لهستان آغاز کردند که عامل به وجود آمدن اتحادیه مستقل خودگردان اتحادیه‌های کارگری بود؛ اتحادیه‌ای که در برگیرنده همه اتحادیه‌های صنفی و کارگری لهستان بود. رهبری اعتراضات را لخواه‌الساکارگریق اخراج شده کارخانه (لنین شیپیارگدانسک) بر عهده داشت که بعدها به سمت ریاست جمهوری لهستان نیز رسید. در این زمان، رسانه‌ها از ارائه هرگونه خبر در مورد اعتصابات خودداری می‌کردند و سانسور خبری شدیدی صورت گرفته بود و تنها خبر مبنی بر توقف کار در کارخانه کشتی‌سازی گدانسک در روزنامه‌ها مجوز پخش داشت. حتی ارتباط تلفنی هم قطع بود. «با مرکز اطلاعات تلفنی تماس می‌گیرم، نام و نشانی دقیق شرکت هواپیمایی لهستان را می‌پرسم. جوانکی پشت تلفن بلا فاصله جواب می‌دهد: خطوط هوایی لهستان، بفرمایید. نشانی و شماره تلفن را می‌دهد، ولی می‌گوید بلیت برای گدانسک تمام شده، جای خالی ندارند و من می‌دانم آن‌ها نمی‌خواهند کسی گدانسک را ببیند.» «به دنبال این اعتصابات، کارگران در بخش‌های دیگر همچون معادن و کارخانه کشتی‌سازی شوچین نیز به اعتصاب پیوستند و این اعتراضات تا روز بیست و یکم اوت ادامه داشت و سرانجام در سی و یکم آگوست ۸۰، منجر به امضای توافق نامه‌ای قانونی با حکومت شد. از اوت ۸۰ تا پایان سال ۱۹۸۱ رسماً بیش از ۱۰ میلیون لهستانی نام خود را در این اتحادیه همبستگی ثبت کردند. اما طولی نکشید که این اتحادیه غیرقانونی و در سراسر لهستان حکومت نظامی اعلام شد و فعالان همه دستگیر و فراری و بسیاری کشته شدند. «نخست اینکه این روزها خبر تازه‌ای بود و نه هیچ اتفاقی، مگر سیر همیشه زمان، مگر مرگ، گرسنگی، خبر از افغانستان، ایران، بعد کم کم طی این چند روزه خبرهای تازه‌ای رسید، اتفاقاتی افتاد. در جاهای دور، خیلی دور، در لهستان، اعتصاب آرام کارگران کشتی‌سازی در گدانسک لهستان، تعداد اعتصاب کنندگان را می‌دانیم از ۱۷ هزار به ۳۰ هزار رسیده و این فقط طی هفت هفته‌ای است که از شروع اعتصاب می‌گذرد. فعلاً در همین حتمی دانیم.» □



تابستان ۸۰
نویسنده: مارگریت دوراس
ترجمه: قاسم روبین
نشر: اختران
۱۰۰ صفحه
۱۳ هزار تومان

دانش

جهان مرموز نامرئی

ماده و نوری که در عالم مشاهده می‌کنیم، تنها در درصد از تمام کیهان است و ۹۵ درصد دیگر از دید ما پنهان است. این مسأله بزرگ‌ترین معمایی است که علم تاکنون با آن مواجه شده است. از دهه ۱۹۷۰، اخترشناسانی می‌دانند مقدار ماده‌ای که در کهکشان‌ها وجود دارد، با الگوی چرخش آنها همخوانی ندارد. در واقع اگر ماده موجود در کهکشان‌ها به همان مقداری باشد که ما می‌بینیم، پس کهکشان‌ها می‌بایست هنگام چرخش به این سو و آن سو پرتاب شوند؛ در حالی که چیزی پنهان آنها را مستحکم نگه می‌دارد. آن چیز مرموز، ماده تاریک است؛ ماده‌ای نامرئی که مقدار آن پنج برابر جرمی است که ستاره‌ها و سیارات دارند. تا دهه ۱۹۹۰ می‌دانستیم که روند انبساط عالم سرعت گرفته است. چیزی که انرژی تاریک نام گرفت، روند انبساط را سریع و سریع‌تر می‌کند. انرژی لازم برای چنین انبساطی باید به قدری باشد که تمام ماده قابل مشاهده در هستی و جرمی معادل چهارده برابر این مقدار را نیز پوشش دهد. برایان گلک در کتاب «ماده تاریک و انرژی تاریک» به این موضوع می‌پردازد. از جدیدترین آثار او می‌توان به کتاب‌های «شیطان دوروی پرفسور ماکسول» (۲۰۱۹) و «قاب حقیقت» (۲۰۱۷) اشاره کرد. دو عنوان از کتاب‌های علمی او با نام‌های «دنیای تاس‌گونه» و «مروری بر تاریخ ادبیت» در فهرست منتخب کتاب‌های علمی «رویال سوسائتی» برای اهدای جایزه قرار گرفته‌اند. گلک تا به حال با نشریه‌های معروفی همکاری داشته است که از بین آنها می‌توان به «وال استریت ژورنال»، «دنیای فیزیک» و «تایمز» اشاره کرد. □



ماده تاریک و انرژی تاریک
نویسنده: برایان گلک
ترجمه: علیرضا هاشمی
انتشارات: چترنگ
۱۲۳ صفحه
۲۶ هزار تومان

اندیشه

برادر گرگ من

ماجرای این قرار است که مارک رولندز، استاد فلسفه، بچه‌گرگی را به خانه می‌آورد و با او زندگی می‌کند. به هر حال نگهداری گرگ در خانه چندان ساده نیست. رولندز به تدریج متوجه می‌شود نمی‌تواند این گرگ را در خانه تنها بگذارد، چراکه وسایل خانه را به هم می‌ریزد و چیزی باقی نمی‌گذارد. برای همین تصمیم می‌گیرد او را با خود به کلاس درس ببرد. او سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، این گرگ را با خود سر کلاس می‌برد و به نوعی تبدیل به همدم شخصی‌اش می‌شود. در واقع شما در حال خواندن قصه نیستید بلکه این زندگی واقعی استاد فلسفه دانشگاه میامی، مارک رولندز است که شرح زندگی‌اش را در هم جواری با این گرگ نوشته است؛ «این کتاب بدون موضوع اصلی آن پا به عرصه وجود نمی‌گذاشت. پس برین، برادر گرگ من، از تو سپاسگزارم که مرا در زندگی خودت شریک کردی. نمی‌توانم بگویم این کتاب برای تو نوشته‌ام آن را تمام می‌کنم چون می‌خواهم تو اسام خودت را بفهمی، و دست آخر، این جمله را که از فکر آن به خود می‌لرز، به یاد داشته باش: فقط می‌آورم تا طریبی را از دل جملات موصاحیه‌های رولندز، در هر انسانی جانورانی نهفته‌اند؛ موجوداتی مثل «میمون»، «مار» یا «گرگ». او در این کتاب تأملاتش را درباره این مفاهیم بررسی می‌کند و در نهایت به برخی مشکلات زندگی عجیب در کنار یک گرگ می‌پردازد. □



فیلسوف و گرگ
نویسنده: مارک رولندز
ترجمه: شهاب‌الدین عباسی
انتشارات: خزه
۱۳۱ صفحه
۲۰ هزار تومان

داستان

مرمت دل‌های شکسته

«یاسر نوروزی» «باغ»، «بازگشت یک سوار»، «بلوار دل‌های شکسته»، «ایستگاه آبشار»... نوعی شور بی‌گناه در این کتاب‌ها هست که شاد و شگفتی‌برانگیز دارد و به طیف‌های غمناکی از زندگی می‌رسد. «پرملخی» را خوانده‌اید؟ یا «چرخ خیاطی»؟ جایگاهی که او در گنجینه خود یافته نویسنده‌گان ذهنی من دارد، صدر است؛ صدر نویسندگان معاصر ایران. اما آیا به همین اندازه بین مخاطبان هم قدر یافته؟ متأسفانه این‌طور نیست و من گاهی احساس می‌کنم رسالتی تک‌نفره در ترویج نوشته‌هایش دارم. به هر کسی که می‌خواهد بنویسد، می‌گویم «امشب در سینما ستاره»؛ خوانده‌ای؟ چون دنیا در آثار او به جهانی از خاطره‌ها تبدیل می‌شود؛ خاطراتی که من آنها را ندیده‌ام اما بین‌شان زندگی کرده‌ام. اسمش را می‌گذارم عمر رفته؛ روزگار بازگشته، دقیقاً مثل خودش که سال ۵۳ از ایران رفت و هرگز برنگشت، اما دوبایی به نظر هنوز اینجاست. درختان، پنجره‌ها، کوچه‌پس‌کوچه‌ها، خیابان‌ها، صدای زنگ زده لولای درها، خانه‌های قدیمی، زوار در رفته‌ها را برداشته با خودش برده. تا در آن سوی آب‌ها، دوباره آنها را تماشا کند، دوباره از آنها بنویسد. پرویز دوبایی را برای همین‌ها دوست دارم. دستش به قلم با غریزه می‌رود. شابلون ندارد. از دستگاه‌های فتوکپی نویسنده‌گی بیرون نیامده است. کاربن‌های نوشتن را زیر دست نگرفته و برای همین نسخه‌ای بی‌بدل است. هر چند عده‌ای آثارش را همیشه با نوعی برجسب سانتی‌مانتالیسم رانده‌اند. اما به نظر می‌رسد نه تنها درک و دریافتی از جهان او نداشته‌اند بلکه به جهان بیینی او دست نیافته‌اند. چون احساس من این است که اصولاً نوشته، داستان و حتی جهان و هرگونه جهان بیینی ملهم از آن برای دوبایی مُرده است. نویسنده فقط برای مرمت دل‌های شکسته می‌نویسد؛ برای بازپایی آنچه از دست رفته. قصد احیا و تجدید بنا هم ندارد. راوی اصلاً خسته است. فقط نشسته می‌گوید: «امروز صبح هم از کنار آن باغ گذشتم و به پشت زرده و پرچین که رسیدم، یکی از پرملخی‌هایی را که جلوترش جمع کرده بودم درآوردم، بوسه‌ای بر بال‌اش دادم (مثل بوسه‌ای که قبل از هوا کردن نثار پری‌های سفید می‌کردیم) و پَرش دادم. پر دادمش و گفتم برو بر سر چمن و باغ و باغچه‌ها. بیرو برو بالا و بالاتر. از سر درخت‌ها بالاتر و از فواره، نور بگیر و از گل‌ها، رنگ بگیر و بیرو برو؛ هر چه از زمین دورتر، بر این چمن خملی و جای پای آن بیچه و مادر پرواز کن. بچرخ بر سر بساط این باغ بهشت که تصویری است از چند باغ و جنگل که از فیلم‌های خُرَم گذشته‌هایمان همیشه در سر داشتیم... بیرو برو بالا و بالاتر تا با هم بر صندلی قهوه‌ای سینمای عید فرود بیاییم؛ سبک‌بال. چشم به اعجاز بازی خواب‌هایمان بر پرده نفرهای دوخته؛ تا در لحظه‌ای که دخترک سر بر می‌دارد و بین همه تماشاگران به مال‌بخند می‌زند، برگردیم و به هم نگاه کنیم و با این نگاه به هم بگوییم: دیدی؟! (بخشی از «پرملخی» از کتاب «امشب در سینما ستاره») □

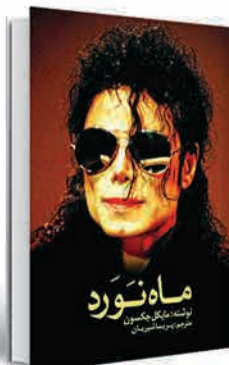


امشب در سینما ستاره
نویسنده: پرویز دوبایی
انتشارات: روزنه‌کار
۱۶۰ صفحه
۲۳ هزار تومان

زندگی‌نامه

نفرین بر دروغ رسانه‌ها

جکسون پنج‌ساله در گروه «۵ جکسون» شروع به کار می‌کند؛ اوایل دهه ۷۰ است و هنوز رادیو، یکی از بهترین سرگرمی‌های انسان مدرن، موسیقی در خانه‌ها رواج پیدا کرده است و ستارگان پاپ کاری کرده‌اند که همه می‌خواهند به آنها برسند. پدر جکسون هم هشت فرزند دارد؛ پنج پسر و سه دختر. خودش به کار سخت کارگری مشغول است، اما گیتاری خریده و وقتی عصرها به خانه می‌آید، شروع می‌کند به نواختن. دوست دارد از این بچه‌ها، موزیسین بیرون بیاید، بنابراین همه را مدیریت می‌کند و پنج پسرش را به کار می‌گیرد؛ تمرینی سخت و مداوم. جکسون پنج‌ساله از همین‌جا شروع می‌کند. کم‌کم آنها در محله معروف می‌شوند. بعد در ایالت و بعد به ایالت‌های دیگر آمریکا دعوت می‌شوند. همه فعلاً او را به اسم «مایکل کوچولو» می‌شناسند، اما چه اتفاقی می‌افتد که او ناگهان به یکی از مظاهر مهم سیاه‌پوستان جهان تبدیل می‌شود؟ در این کتاب مایکل جکسون تمام زندگی‌اش را شرح می‌دهد و می‌گوید چه اتفاقی برای او می‌افتد. ضمن اینکه از تمام دروغ‌هایی که رسانه‌ها به او بستند، اعلام برائت می‌کند؛ به‌خصوص عمل زیبایی سفید شدن پوست که هرگز آن را انجام نداد و بعدها هم تأییدیه‌های پزشکی بر آن صحه گذاشت. در بخش‌های متعددی از زندگی‌نامه‌اش، فداکاری‌های مادرش را هم به یاد می‌آورد و اینکه چطور در راه شهرت او کمک کرده است. نام مایکل جکسون بعدها به‌عنوان بزرگ‌ترین کمک‌کننده تاریخ به خیریه‌ها مطرح شد. هرچند او در این کتاب به آن اشاره نمی‌کند، اما از عشقش به کودکان و نیازمندان می‌نویسد. □



ماه‌نورد
نویسنده: مایکل جکسون
ترجمه: پریسا شیریان
انتشارات: نوای مکتوب
۲۸۳ صفحه
۴۰ هزار تومان